

17 March 2026 - TBILISI GEORGIA

تأثیر مالیات بر درآمد شرکت ها و نوآوری و خلاقیت

محمد پویا عباسی

دانشجو، کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار

چکیده

تأثیر سیاست های مالیاتی بر رفتار اقتصادی بنگاه ها همواره یکی از موضوعات مهم در ادبیات اقتصاد مالی و اقتصاد نوآوری و خلاقیت بوده است. در این میان، مالیات بر درآمد شرکت ها می تواند از طریق تغییر در سودآوری، جریان های نقدی و ساختار تأمین مالی بنگاه ها بر فعالیت های نوآورانه و خلاقانه اثرگذار باشد. نوآوری و خلاقیت به عنوان محرک های اصلی افزایش بهره وری، رقابت پذیری و رشد پایدار اقتصادی شناخته می شوند و از این رو بررسی عواملی که می توانند این فعالیت ها را تقویت یا تضعیف کنند از اهمیت ویژه ای برخوردار است. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر تغییرات نرخ مالیات بر درآمد شرکت ها بر نوآوری و خلاقیت بنگاه ها و شرکت های اقتصادی در استان خراسان رضوی می پردازد که نمونه مورد نظر بصورت در دسترس و هدفمند انتخاب شدند و در عین حال نقش عوامل واسطه ای همچون رقابت بازار و سطح بهره وری بنگاه ها را مورد توجه قرار می دهد. شواهد تجربی نشان می دهد که کاهش نرخ مالیات شرکت ها از طریق افزایش جریان نقدی، کاهش هزینه های مالی و تقویت توان سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه می تواند نوآوری و خلاقیت سازمانی را افزایش دهد. در مقابل، افزایش نرخ مالیات با محدود کردن منابع مالی بنگاه ها ممکن است انگیزه فعالیت های نوآورانه و خلاقانه را کاهش دهد. با این حال، شدت این اثر در میان بنگاه ها یکسان نیست و شرکت هایی که از بهره وری بالاتر برخوردارند یا در بازارهای رقابتی فعالیت می کنند، واکنش قوی تری نسبت به تغییرات مالیاتی نشان می دهند. در مجموع، نتایج نشان می دهد که طراحی هوشمندانه سیاست های مالیاتی می تواند نقش مهمی در تقویت نوآوری، خلاقیت سازمانی و توسعه اقتصادی مبتنی بر دانش ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: نوآوری، خلاقیت، مالیات بر درآمد شرکت‌ها

مقدمه:

تعدیل نرخ‌های مالیات بر درآمد شرکت‌ها از جمله سیاست‌های اقتصادی است که می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای رفتار سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های نوآورانه و خلاقانه بنگاه‌ها داشته باشد. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که نوآوری نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصادی بلندمدت ایفا می‌کند و سیاست‌های مالیاتی نیز از طریق تأثیرگذاری بر تخصیص منابع و ساختار هزینه بنگاه‌ها می‌توانند مسیر فعالیت‌های نوآورانه را شکل دهند (آقیون و هویت، ۲۰۰۹ و آگراول، ۲۰۲۰). از این منظر، بررسی رابطه میان مالیات شرکت‌ها و نوآوری به یکی از موضوعات مهم در ادبیات اقتصاد نوآوری تبدیل شده است.

در سال‌های اخیر، اصلاحات مالیاتی در کشورهای مختلف فرصت مناسبی برای بررسی تجربی این رابطه فراهم کرده است. برای نمونه، اصلاح نظام مالیات بر درآمد شرکت‌ها در چین در سال ۲۰۰۸ که منجر به یکسان‌سازی نرخ‌های مالیاتی برای شرکت‌های داخلی و خارجی شد، بستری مهم برای تحلیل اثرات سیاست‌های مالیاتی بر رفتار بنگاه‌ها ایجاد کرد. چنین اصلاحاتی امکان بررسی تجربی این موضوع را فراهم می‌کند که چگونه تغییرات در نرخ مالیات می‌تواند از طریق سازوکارهای مستقیم و غیرمستقیم بر تصمیمات نوآورانه شرکت‌ها اثر بگذارد.

نوآوری پدیده‌ای چندبعدی است که حوزه‌های مختلفی از جمله سرمایه انسانی، سیاست‌های مالیاتی، پیشرفت‌های فناوریانه، مدیریت منابع و نظام مالکیت فکری را دربرمی‌گیرد. بررسی جامع این عوامل نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی در اقتصادهای نوین تا حد زیادی به ظرفیت نوآوری بنگاه‌ها وابسته است. در همین راستا، مطالعات متعددی نشان داده‌اند که سیاست‌های مالیاتی

می توانند از طریق کاهش هزینه های تحقیق و توسعه یا ایجاد مشوق های مالی، انگیزه شرکت ها برای سرمایه گذاری در نوآوری و خلاقیت را افزایش دهند (وان ریه، ۲۰۰۰ و بلوم، ۲۰۰۲).

در کنار مطالعات بین المللی، پژوهش های داخلی نیز بر اهمیت نوآوری در عملکرد بنگاه ها تأکید کرده اند. قلی زاده و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی شرکت های صنعتی ایران نشان دادند که نوآوری در فرآیندهای تولید می تواند بهره وری و سودآوری شرکت ها را افزایش دهد. همچنین زارع نژاد و فرقانی (۱۳۹۸) با مطالعه شرکت های دانش بنیان نشان دادند که محیط رقابتی و حمایت های سیاستی از مهم ترین عوامل شکل گیری نوآوری هستند. از سوی دیگر، کریم پور و نادری (۱۳۹۴) دریافتند که فشار مالیاتی بالا می تواند سرمایه گذاری در فعالیتهای تحقیقاتی را کاهش دهد، در حالی که بهره مندی از مشوق های مالیاتی به افزایش ثبت اختراع در بنگاه ها منجر می شود. حسینی و همکاران (۱۴۰۰) نیز نشان دادند که سیاست های مالیاتی هدفمند می توانند رفتار نوآورانه بنگاه ها را به ویژه در صنایع کوچک و متوسط تقویت کنند.

یکی از عوامل مهم در این زمینه، تفاوت سطح بهره وری میان بنگاه ها است. مطالعات نشان می دهد شرکت هایی که از بهره وری بالاتری برخوردارند، حتی در شرایط افزایش مالیات نیز توانایی حفظ سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه را دارند، در حالی که بنگاه های کم بازده در برابر افزایش فشار مالیاتی آسیب پذیرتر هستند (سیورسون، ۲۰۱۷، سعیدی و محمدی، ۱۴۰۱). از این رو، بررسی ناهمگنی بنگاه ها در واکنش به سیاست های مالیاتی می تواند درک دقیق تری از اثرات این سیاست ها بر نوآوری فراهم کند.

از منظر نظری، نوآوری به فرآیند تبدیل ایده های جدید به محصولات، خدمات یا فرآیندهای تولیدی اطلاق می شود که ارزش اقتصادی ایجاد می کنند. خلاقیت سازمانی نیز به عنوان پیش نیاز نوآوری، به توانایی تولید ایده های نو و مفید در محیط سازمانی اشاره دارد (آمبایل، ۱۹۹۶). در چارچوب نظریه رشد درونزا، سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه و فعالیتهای نوآورانه از طریق فرایند «تخریب خلاق» به افزایش بهره وری و رشد اقتصادی منجر می شود (آقیون وهویت، ۲۰۰۹).

17 March 2026 - TBILISI GEORGIA

در ادبیات اقتصادی، تأثیر مالیات بر نوآوری معمولاً از دو مسیر اصلی توضیح داده می شود. نخست، اثر مستقیم مالیات که از طریق کاهش منابع مالی در دسترس بنگاه ها عمل می کند. افزایش نرخ مالیات می تواند بازده مورد انتظار سرمایه گذاری های پرریسک مانند تحقیق و توسعه را کاهش دهد و در نتیجه انگیزه شرکت ها برای نوآوری را تضعیف کند (وان دنه و هال، ۲۰۰۰). دوم، اثر غیرمستقیم مالیات که از طریق تغییر در ساختار رقابت بازار و تخصیص منابع میان بنگاه ها بروز می یابد (موخارجی و همکاران، ۲۰۱۷).

رقابت بازار نیز یکی از عوامل کلیدی در تبیین رفتار نوآوران بنگاه ها است. بر اساس نظریه های شومپیتری و مطالعات آقیون و همکاران (۲۰۰۵)، افزایش رقابت می تواند شرکت ها را به نوآوری بیشتر برای حفظ مزیت رقابتی سوق دهد. با این حال، برخی پژوهش ها نشان داده اند که رابطه میان رقابت و نوآوری ممکن است غیرخطی باشد؛ به گونه ای که رقابت بسیار شدید می تواند سودآوری بنگاه ها را کاهش داده و توان آن ها برای سرمایه گذاری در نوآوری را محدود کند.

در سال های اخیر، مطالعات تجربی متعددی رابطه میان مالیات شرکت ها و نوآوری را بررسی کرده اند. آتاناسوف و لیو (۲۰۲۰) نشان دادند که کاهش مالیات بر درآمد شرکت ها می تواند فعالیت های نوآوران را به ویژه در شرکت هایی که با محدودیت های مالی مواجه هستند افزایش دهد. آکچیگیت و همکاران (۲۰۲۲) نیز با استفاده از داده های بلندمدت نشان دادند که میان نرخ مالیات و فعالیت های نوآوران رابطه ای منفی وجود دارد. همچنین موخارجی و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی تغییرات مالیات شرکتی در ایالت های آمریکا دریافتند که افزایش مالیات می تواند فعالیت های نوآوران را کاهش دهد.

مطالعات دیگری نیز بر اهمیت عوامل مکمل نوآوری تأکید کرده اند. گراسمن و هلپمن (۱۹۹۳) نوآوری را نتیجه سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه دانسته اند که پایه اصلی رشد اقتصادی جهانی محسوب می شود. دیبولت و هیپه (۲۰۱۹) نقش سرمایه انسانی را در توسعه نوآوری منطقه ای برجسته کرده اند، در حالی که کوگان و همکاران (۲۰۱۷) اهمیت اقتصادی نوآوری های فناورانه را

از طریق واکنش بازارهای مالی نشان داده‌اند. در حوزه اقتصاد دیجیتال نیز پژوهش‌های پان و همکاران (۲۰۲۲) و لی و همکاران (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که پیشرفت‌های فناورانه و دیجیتالی شدن اقتصاد می‌تواند بهره‌وری و ظرفیت نوآوری را به‌طور قابل‌توجهی افزایش دهد.

در مجموع، ادبیات موجود نشان می‌دهد که رابطه میان مالیات شرکت‌ها و نوآوری رابطه‌ای پیچیده و چندبعدی است و به عواملی مانند ساختار بازار، سطح رقابت، بهره‌وری بنگاه‌ها و محیط نهادی بستگی دارد. با توجه به این ملاحظات، هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر نوآوری و خلاقیت بنگاه‌ها با در نظر گرفتن نقش رقابت بازار و ناهمگنی بهره‌وری است.

مواد و روش‌ها:

برای بررسی تجربی رابطه میان مالیات بر درآمد شرکت‌ها و نوآوری، در این پژوهش از مجموعه‌ای از داده‌های معتبر و گسترده استفاده شده است. داده‌های مربوط به نوآوری از پایگاه Google Patent استخراج شده است که اطلاعات جامعی درباره ارجاعات ثبت اختراع شامل ارجاعات درخواست پتنت و ارجاعات پتنت‌های اعطا شده ارائه می‌دهد. این پایگاه به دلیل پوشش گسترده و اعتبار علمی بالا در بسیاری از مطالعات نوآوری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پس از گردآوری داده‌ها، فرایند پالایش داده‌ها مطابق با روش‌های پیشنهادی ژنگ و ژانگ (۲۰۱۸) و وانگ (۲۰۱۴) انجام شد. در این مرحله شرکت‌های فعال در بخش مالی و بیمه در استان خراسان رضوی، شرکت‌هایی با سود قبل از مالیات منفی و نیز مشاهداتی که دارای داده‌های ناقص بودند از نمونه حذف شدند. همچنین داده‌هایی که امکان محاسبه نرخ مالیات در آن‌ها وجود نداشت کنار گذاشته شد.

17 March 2026 - TBILISI GEORGIA

متغیر وابسته پژوهش نوآوری شرکت است که بر اساس تعداد ارجاعات ثبت اختراع اندازه گیری شده است. این شاخص نسبت به معیارهایی مانند تعداد پتنت یا مخارج تحقیق و توسعه، معیار دقیق تری برای سنجش کیفیت نوآوری محسوب می شود. متغیر مستقل اصلی، تغییرات نرخ مالیات بر درآمد شرکت ها است. متغیرهای کنترلی نیز شامل اندازه شرکت، نسبت بدهی به دارایی، نسبت مدیران مستقل هیئت مدیره، مالکیت دولتی، حاشیه سود، سهم دارایی های مشهود، سرمایه سرانه و سطح اشتغال هستند. برای کاهش اثر داده های پرت، تمامی متغیرهای پیوسته در سطح یک درصد برش داده شده اند.

برای برآورد اثر اصلاحات مالیاتی بر نوآوری، از مدل اقتصادسنجی اختلاف در اختلاف ها استفاده شده است. این مدل امکان شناسایی اثرات علی تغییرات نرخ مالیات بر فعالیت های نوآورانه بنگاه ها را فراهم می کند.

نتایج:

به منظور افزایش دقت اندازه گیری نوآوری، شاخص های نوآوری مجدداً بدون در نظر گرفتن استنادهای درون شرکتی محاسبه شدند تا از بیش برآوردی ناشی از استنادهای خودی جلوگیری شود. نتایج نشان داد که حتی پس از حذف این استنادها، اثر کاهش نرخ مالیات بر نوآوری همچنان معنادار باقی می ماند، هرچند نرخ رشد نوآوری پس از این تعدیل کمتر از شش درصد برآورد شد.

برآوردهای اقتصادسنجی نشان می دهد که کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت ها به طور معناداری رقابت بازار را افزایش می دهد (۰/۰۸۷۶)، در حالی که افزایش نرخ مالیات موجب کاهش رقابت در بازار می شود (۰/۰۳۲۵-). همچنین نتایج نشان می دهد که کاهش نرخ مالیات به صورت

مستقیم باعث افزایش معنادار نوآوری بنگاه ها می شود (۰/۰۶۷۵)، در حالی که افزایش مالیات به طور مستقیم خلاقیت سازمانی را کاهش می دهد (۰/۰۸۹۰-).

به طور کلی یافته ها نشان می دهد که افزایش نرخ مالیات بر درآمد شرکت ها به طور معناداری نوآوری و خلاقیت بنگاه ها را تضعیف می کند، در حالی که کاهش این نرخ می تواند فعالیت های نوآورانه را تقویت کند. علاوه بر این، آزمون های سازوکار نشان می دهد که اثر مستقیم مالیات بر نوآوری قوی تر از اثر غیرمستقیم آن از مسیر رقابت بازار است. نتایج آزمون ناهمگنی نیز نشان می دهد که اثر تغییرات مالیاتی در شرکت هایی با بهره وری بالاتر شدیدتر است. همچنین تحلیل های فضایی با در نظر گرفتن اثرات سرریز نوآوری در مناطق مختلف، اعتبار نتایج به دست آمده را تأیید می کند.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج این پژوهش نشان می دهد که اثر مستقیم تغییرات نرخ مالیات شرکت ها بر نوآوری نسبت به اثرات غیرمستقیم آن قوی تر است و در نتیجه جهت اثر کلی نیز با اثر مستقیم همسو است. این یافته با دیدگاه ستوانچا (۲۰۲۱) همخوانی دارد که معتقد است اثر سیاست های مالیاتی بر نوآوری باید به صورت تجربی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین از جمله دجانکوف و همکاران (۲۰۱۰) و موخرجی و همکاران (۲۰۱۷) سازگار است که نشان داده اند افزایش مالیات شرکتی می تواند به کاهش فعالیت های نوآورانه منجر شود.

از سوی دیگر، یافته ها نشان می دهد که رقابت بازار یکی از سازوکارهای غیرمستقیم اثرگذاری مالیات بر نوآوری است. در محیط های رقابتی، شرکت ها برای حفظ موقعیت خود در بازار ناگزیر به نوآوری هستند (کالوانو، ۲۰۲۱) با این حال، افزایش بیش از حد مالیات می تواند موجب خروج بنگاه های کوچک تر از بازار شده و سطح رقابت را کاهش دهد (خو، ۲۰۲۳) در مقابل، کاهش مالیات می تواند شرایط مناسب تری برای ورود و فعالیت بنگاه ها ایجاد کرده و در نتیجه رقابت و نوآوری را تقویت کند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، طراحی سیاست‌های مالیاتی باید با در نظر گرفتن پیامدهای آن بر نوآوری و خلاقیت بنگاه‌ها انجام شود. کاهش موانع مالی برای فعالیت‌های تحقیق و توسعه، ارائه مشوق‌های مالیاتی هدفمند و ایجاد محیط رقابتی سالم می‌تواند ظرفیت نوآوری بنگاه‌ها را تقویت کند و در نهایت به رشد اقتصادی پایدار منجر شود.

با وجود اهمیت نتایج به دست آمده، این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه است. تفاوت‌های نهادی میان کشورها، محدودیت دسترسی به داده‌های دقیق در حوزه نوآوری و دشواری اندازه‌گیری خلاقیت سازمانی از جمله این محدودیت‌ها است. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از داده‌های گسترده‌تر و روش‌های اقتصادسنجی پیشرفته، سازوکارهای اثرگذاری سیاست‌های مالیاتی بر نوآوری و خلاقیت را با دقت بیشتری بررسی کنند. از نظر سیاست‌گذاری، نتایج پژوهش حاکی از آن است که کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها، به‌ویژه برای بنگاه‌های با بهره‌وری بالا، می‌تواند نقش مهمی در تقویت نوآوری ایفا کند. همچنین استفاده از مشوق‌های مالیاتی برای فعالیت‌های تحقیق و توسعه می‌تواند محیطی مساعد برای نوآوری ایجاد کند، هرچند این سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که به کاهش شدید درآمدهای دولت و تضعیف هزینه‌های عمومی منجر نشوند.

علاوه بر این، حفظ سطح مناسبی از رقابت در بازار اهمیت زیادی دارد. رقابت بیش از حد ممکن است سودآوری بنگاه‌ها را کاهش داده و توان آن‌ها برای سرمایه‌گذاری در نوآوری را محدود کند، در حالی که رقابت بسیار پایین نیز انگیزه نوآوری را کاهش می‌دهد. از این رو، تنظیم مناسب ساختار رقابت در بازار می‌تواند به تقویت نوآوری کمک کند.

در نهایت، تقویت نظام حقوق مالکیت فکری و حمایت از ثبت اختراعات نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. حفاظت از نتایج فعالیت‌های تحقیق و توسعه و مقابله با رفتارهای سواری مجانی می‌تواند انگیزه بنگاه‌ها برای سرمایه‌گذاری در نوآوری را افزایش دهد. در مجموع، اتخاذ

سیاست های مالیاتی هوشمندانه همراه با حمایت از نوآوری و رقابت می تواند زمینه ساز ایجاد اقتصادی دانش بنیان و رقابت پذیر باشد.

نتایج این پژوهش پیامدهای عملی مهمی برای سیاست گذاران و مدیران بنگاه ها دارد:

- کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت ها، به ویژه برای بنگاه های با بهره وری بالا، می تواند نوآوری را به طور قابل توجهی تقویت کند.

- سیاست گذاران می توانند از طریق مشوق های مالیاتی و کاهش نرخ ها، محیطی مساعدتر برای فعالیت های تحقیق و توسعه و نوآوری ایجاد کنند. البته، کاهش مالیات باید با توجه به کاهش احتمالی درآمدهای دولت و بدون تضعیف هزینه های ضروری عمومی مانند آموزش، زیرساخت و تحقیق و توسعه انجام شود.

- تنظیم سطح رقابت بازار اهمیت زیادی دارد.

- رقابت بیش از حد می تواند منافع ناشی از کاهش مالیات بر نوآوری را تضعیف کند. نهادهای ناظر باید پویایی های بازار را رصد کنند تا از بروز رفتارهای ضد رقابتی جلوگیری شود و رقابت در سطحی سالم و نوآوری محور باقی بماند. چارچوب های تنظیم گری می توانند به گونه ای تقویت شوند که سطح بهینه ای از رقابت حفظ شود؛ سطحی که بنگاه ها را به نوآوری تشویق کند بدون آنکه فشار بیش از حد بر آن ها وارد شود

- با توجه به سرریزهای مثبت قابل توجه ناشی از نوآوری بنگاه ها، حفاظت از فعالیت های مستقل تحقیق و توسعه و اعمال مجازات های سخت گیرانه تر علیه رفتارهای سواری مجانی اهمیت دارد. این اقدامات موجب می شود بنگاه ها انگیزه کافی برای سرمایه گذاری در نوآوری داشته باشند و در نهایت، کل اقتصاد از پیشرفت های فناورانه و رشد رقابتی بهره مند شود.

در مجموع، با طراحی سیاست های مالیاتی که ابعاد مختلف رشد اقتصادی—از جمله نوآوری و رقابت بازار—را به صورت یکپارچه در نظر می گیرند، دولت ها و بنگاه ها می توانند محیطی نوآوری دوست تر ایجاد کنند که به رشد اقتصادی و افزایش رقابت پذیری منجر شود.

منابع:

- حسینی، ع.، محمدی، ر.، و صالحی، ک. (۱۴۰۰). تأثیر سیاست های مالیاتی بر نوآوری در بنگاه های کوچک و متوسط ایران. *فصلنامه اقتصاد کاربردی*، ۱۲ (۱)، ۷۶-۵۵.
- رحیمی، م.، و فلاحی، ع. (۱۳۹۷). رقابت بازار و نوآوری در صنایع بورسی ایران. *فصلنامه پژوهش های مدیریت صنعتی*، ۹ (۳)، ۸۷-۶۷.
- زارع نژاد، م.، و فرقانی، ح. (۱۳۹۸). نقش محیط رقابتی در توسعه نوآوری شرکت های دانش بنیان. *فصلنامه اقتصاد صنعتی*، ۱۳ (۲)، ۱۲۰-۱۰۱.
- قلی زاده، م.، احمدی، ع.، و رضایی، س. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر نوآوری بر بهره وری شرکت های صنعتی ایران. *فصلنامه پژوهش های اقتصادی*، ۱۵ (۳)، ۹۴-۷۵.
- کریم پور، ح.، و نادری، م. (۱۳۹۴). بررسی اثر سیاست های مالیاتی بر فعالیت های تحقیق و توسعه در شرکت های تولیدی ایران. *فصلنامه تحقیقات مالی*، ۱۶ (۴)، ۱۰۸-۸۹.
- Aghion, P., Bloom, N., Blundell, R., Griffith, R., & Howitt, P. (2005). *Competition and innovation: An inverted-U relationship. The Quarterly Journal of Economics*, 120(2), 701-728.
- Aghion, P., & Howitt, P. (2009). *The economics of growth*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Akcigit, U., & Stantcheva, S. (2020). *Taxation and innovation: What do we know?* National Bureau of Economic Research Working Paper No. 27109. <https://doi.org/10.3386/w27109>
- Amabile, T. M. (1996). *Creativity in context*. Boulder, CO: Westview Press.

17 March 2026 -TBILISI GEORGIA

- Atanassov, J., & Liu, X. (2020). *Can corporate income tax cuts stimulate innovation?* *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 55, 1415–1465.
<https://doi.org/10.1017/S0022109019000152>
- Bloom, N., Griffith, R., & Van Reenen, J. (2002). *Do R&D tax credits work? Evidence from a panel of countries 1979–1997.* *Journal of Public Economics*, 85(1), 1–31.
- Calvano, E., & Polo, M. (2021). *Market power, competition and innovation in digital markets: A survey.* *Information Economics and Policy*, 54, 100853.
<https://doi.org/10.1016/j.infoecopol.2020.100853>
- Diebolt, C., & Hippe, R. (2019). *The long-run impact of human capital on innovation and economic development in the regions of Europe.* *Applied Economics*, 51, 542–563.
<https://doi.org/10.1080/00036846.2018.1495820>
- Djankov, S., Ganser, T., McLiesh, C., Ramalho, R., & Shleifer, A. (2010). *The effect of corporate taxes on investment and entrepreneurship.* *American Economic Journal: Macroeconomics*, 2(3), 31–64.
- Grossman, G. M., & Helpman, E. (1993). *Innovation and growth in the global economy.* Cambridge, MA: MIT Press.
- Hall, B. H., & Van Reenen, J. (2000). *How effective are fiscal incentives for R&D? A review of the evidence.* *Research Policy*, 29(4–5), 449–469.
- He, L., Jiang, X., & Fang, L. (2023). *Tax policy reform and corporate innovation in China.* *Finance Research Letters*, 55, 103891.
- Kogan, L., Papanikolaou, D., Seru, A., & Stoffman, N. (2017). *Technological innovation, resource allocation, and growth.* *The Quarterly Journal of Economics*, 132, 665–712.
- Li, X., Hui, E. C. M., Lang, W., Zheng, S., & Qin, X. (2020). *Transition from factor-driven to innovation-driven urbanization in China: A study of manufacturing industry automation in Dongguan City.* *China Economic Review*, 59, 101382.
- Mukherjee, A., Singh, M., & Žaldokas, A. (2017). *Do corporate taxes hinder innovation?* *Journal of Financial Economics*, 124(1), 195–221. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2017.01.004>
- Pan, W., Xie, T., Wang, Z., & Ma, L. (2022). *Digital economy: An innovation driver for total factor productivity.* *Journal of Business Research*, 139, 303–311.
<https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2021.09.036>

17 March 2026 -TBILISI GEORGIA

-Stantcheva, S. (2021). *The effects of taxes on innovation: Theory and empirical evidence*. Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research.

-Syverson, C. (2011). *What determines productivity?* *Journal of Economic Literature*, 49(2), 326–365.

-Yue, Z., Yang, G., & Wang, H. (2023). *How do tax reductions motivate technological innovation?* *Humanities and Social Sciences Communications*, 10, 1–18.

<https://doi.org/10.1057/s41599-023-01529-y>